**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه232– 20 /11/ 1398 بررسی وثاقت محمد بن حکیم /عده‌ی زنی که رحمش را خارج کرده اند /اقوال فقها در عده/کتاب العدد**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

بحث در عده‌ی زنی بود که رحمش را خارج کرده اند. در سلسله سند بعضی از روایاتِ بحث، محمد بن حکیم وجود داشت که به بررسی نیاز دارد.

# محمد بن حُکَیم در رجال نجاشی

«957 محمد بن حكيم الخثعمي‏

روى عن أبي عبد الله و أبي الحسن عليهما السلام، يكنى أبا جعفر. له كتاب يرويه جعفر بن محمد بن حكيم حدثنا محمد بن محمد قال: حدثنا جعفر بن محمد قال: حدثنا أحمد بن محمد بن عمار قال: حدثنا أبي قال: حدثنا القاسم بن هشام اللؤلؤي و علي بن الحسن بن فضال جميعا، عن جعفر بن محمد بن حكيم، عن أبيه محمد بن حكيم بكتابه»[[1]](#footnote-1)

# محمد بن حُکَیم در رجال نجاشی ذیل مرازم بن حُکَیم

«1138 مرازم بن حكيم الأزدي المدائني،

مولى، ثقة و أخواه محمد بن حكيم و حديد بن حكيم، يُكنّى أبا محمد ...»[[2]](#footnote-2)

# محمد بن حکیم در رجال شیخ طوسی

شیخ طوسی دو نفر را با عنوان محمد بن حکیم ذکر کرده است:

«4054- 79 محمد بن حكيم الساباطي،

و له إخوة: محمد و مرازم و حديد بنو حكيم.

4055- 80 محمد بن حكيم الخثعمي،

كوفي، أبو جعفر»[[3]](#footnote-3)

محمد بن حکیم ساباطی همان محمد بن حکیم ازدی مدائنی می باشد. ساباط از قُراء مدائن می باشد. در ترجمه‌ی برادر زاده‌ی محمد بن حکیم، مرحوم نجاشی او را با تمام صفات آورده است: «717 علي بن حديد بن حكيم المدائني الأزدي الساباطي‏»[[4]](#footnote-4)

# محمد بن حکیم در فهرست شیخ طوسی

«[648] محمّد [بن حكيم‏]

محمّد بن حكيم، له كتاب، رويناه بهذا الإسناد، عن الحسن بن محبوب، عن محمّد بن حكيم»[[5]](#footnote-5)

[681] [محمّد بن حكيم‏]

محمّد بن حكيم، له كتاب.

[682] [محمّد بن إسحاق‏]

محمّد بن إسحاق بن عمّار، له كتاب، رويناها بهذا الإسناد، عن حميد، عن القاسم بن إسماعيل، عنهم.[[6]](#footnote-6)

# محمد بن حکیم در معجم رجال الحدیث

و عده البرقي أيضا في أصحاب الصادق علیه السلام، قائلا: «محمد بن حكيم الخثعمي كوفي، مولى». و قال عند تعداده أصحاب الكاظم علیه السلام، من أصحاب أبي عبد الله علیه السلام: محمد بن حكيم، فيظهر من ذلك أن محمد بن حكيم الذي هو من أصحاب الكاظم علیه السلام، هو محمد بن حكيم الخثعمي، و هذا هو صريح النجاشي و بذلك يظهر أن من ذكره الشيخ في أصحاب الكاظم علیه السلام، و ذكره في الفهرست مكررا، هو محمد بن حكيم الخثعمي، غير أنه لم يذكر وصفه. و مما يؤكد الاتحاد أن محمد بن حكيم الخثعمي له كتاب، ذكره النجاشي و لم‌ يذكر شخصا آخر ذا كتاب غيره، فهو المعروف الذي رويت عنه روايات كثيرة، مع أنه لم يذكر في أكثر الروايات التقييد بالخثعمي، فلو كان المسمى بمحمد بن حكيم رجلين، للزم التقييد في جملة من الموارد و الصدوق (رضي الله عنه) عند ذكره في المشيخة طريقه إلى محمد بن حكيم من غير تقييد، و هو أيضا دليل الاتحاد. و أيضا: أن ابن داود، ذكر محمد بن حكيم الخثعمي، و ذكر فيه ما رواه الكشي من غير تقييد، و كيف كان فمحمد بن حكيم، الذي هو من أصحاب الكاظم علیه السلام ممدوح، على ما دلت عليه رواية الكشي المتقدمة.[[7]](#footnote-7)

در رجال برقی هر باب به اصحاب یکی از ائمه علیهم السلام مربوط می باشد و هر باب هم خودش به ابوابی ( اقسامی) تقسیم شده است. باب اصحاب الکاظم علیه السلام چند قسم دارد، یک قسم از آن «من اصحاب ابی عبدالله علیه السلام» می باشد؛ یعنی عده ای از اصحاب امام کاظم علیه السلام که از اصحاب امام صادق علیه السلام هم می باشند که محمد بن حکیم هم در این قسم می باشد.

تعبیر «هذا هو صريح النجاشي» دقیق نیست؛ زیرا نجاشی در مورد محمد بن حکیم خثعمی فرموده است: روى عن أبي عبد الله و أبي الحسن عليهما السلام ( مراد از ابی الحسن، امام کاظم علیه السلام می باشد.)

کلام نجاشی این است که محمد بن حکیم خثعمی از اصحاب امام کاظم علیه السلام می باشد و در کلام نجاشی نیامده است که محمد بن حکیم دیگری از اصحاب امام کاظم علیه السلام نیست؛ ممکن است محمد بن حکیم دیگری هم باشد که از اصحاب امام کاظم علیه السلام باشد.

این که مرحوم نجاشی فقط محمد بن حکیم خثعمی را ترجمه کرده است دلالتی بر این ندارد که محمد بن حکیم دیگری نداریم؛ نهایتا می توان گفت که محمد بن حکیم خثعمی، صاحب کتاب است.

و بذلك يظهر أن من ذكره الشيخ في أصحاب الكاظم

در این مورد مرحوم آقای خویی توضیحی نداده است.

و مما يؤكد الاتحاد أن محمد بن حكيم الخثعمي له كتاب، ذكره النجاشي و لم‌ يذكر شخصا آخر ذا كتاب غيره، فهو المعروف الذي رويت عنه روايات كثيرة

مبنای مرحوم آقای خویی این است که در عناوین مشترک، این عنوان مشترک به صاحب کتاب انصراف دارد.

این مبنا بر چند مقدمه مبتنی است:

1. هر کس که صاحب کتاب است، معروف می باشد.

این مقدمه صحیح نیست؛ زیرا کتابی که مشهور نیست باعث معروف شدن مولفش نمی شود.

1. شخصی که صاحب کتاب نیست، معروف نمی باشد.

این مقدمه هم صحیح نیست؛ زیرا افراد معروفی بوده اند که صاحب کتاب نبوده اند. شهرت اصحاب معروف امام صادق علیه السلام مثل زراره، محمد بن مسلم، فضیل و ... به خاطر کتاب نیست؛ کتاب داشتن یکی از عوامل اشتهار می باشد.

1. اطلاق عنوان به خاطر مشهور بودنش بوده است.

این مطلب در محل بحث ما صحیح است اما گاهی ممکن است اطلاق عنوان به خاطر ذکر مشخصات راوی در سندهای سابق باشد. محمد بن حکیم خثعمی فقط در یک مورد با قید خثعمی در اسناد آمده است و در سایر موارد بدون اعتماد به سند قبلی به صورت محمد بن حکیم آمده است.

# استدلال بر تعدد محمد بن حکیم

دو محمد بن حکیم در فهرست شیخ وجود دارد که در دو طبقه می باشند و علاوه بر ظاهرِ تعدد ذکر در فهرست شیخ که بیان گر تعدد می باشد، ظاهر طبقه‌ی این دو هم اقتضای تعدد می کند.

راوی یکی از این دو محمد بن حکیم، حسن محبوب است.

راوی محمد بن حکیم دیگر، حمید بن زیاد عن القاسم بن اسماعیل می باشد.

حمید بن زیاد متوفای سال 310 می باشد. قاسم بن اسماعیل هم حدود چهل یا پنجاه سال قبل از حمید بن زیاد بوده است؛ یعنی تقریبا متوفای سال 260 می باشد و با حسن بن محبوب که متوفای 224 است، فاصله‌ی زیادی دارد؛ در نتیجه قاسم بن اسماعیل در طبقه‌ی حسن بن محبوب نیست، بنابراین محمد بن حکیم ها دو نفر می باشند.

البته این مطلب نهایتا ثابت می کند که محمد بن حکیم متاخر هم داریم و با کلام مرحوم آقای خویی منافاتی ندارد که محمد بن حکیم های مطلق در اسناد، محمد بن حکیم خثعمی می باشد. اما نمی توان این کلام مرحوم آقای خویی را پذیرفت که محمد بن حکیم دیگری نداریم که صاحب کتاب باشد.

در فهرست شیخ طوسی افراد زیادی ذکر شده اند که در طریق به آن ها حمید بن زیاد واقع شده است، بعضی از این افراد مشایخ حمید می باشند، مثل حسن بن محمد بن سماعه و سایر افرادی که حمید در طریق به آن ها وجود دارد، حمید با یک واسطه از آن ها نقل می کند و حال آن که این افراد در طبقات مختلف هستند؛ مثلا یکی از این افراد جابر بن یزید جعفی ( متوفای 130) است که حمید ( متوفای 310) با یک واسطه از او نقل می کند که چنین چیزی امکان ندارد. این مشکل به شکل گسترده در فهرست شیخ واقع شده است و در رجال نجاشی چنین نیست.

## نکته

در فهرست شیخ طوسی گاهی یک فهرست نگار در طرق متعدد و متوالی قرار می گیرد. مثلا ابن بطه فهرست داشته است و در باب میم و عین فهرست شیخ طوسی در ده ترجمه‌ی پشت سر هم نام ابن بطه وارد شده است و سند واحدی به ابن بطه می رسد. ملاحظه‌ی این مطلب، موجب شناخت منبع شیخ طوسی می باشد.

## نکته

چاپ اسپرینگر فهرست شیخ در اروپا ( لیدن هلند) منتشر شده است. در این چاپ ترتیب فهرست را به صورت الفبایی مرتب کرده اند و مشکلاتی در فهرست به وجود آمده است؛ از جمله این که مرجع ضمیرها و اشاره ها به هم ریخته است ( در فهرست، «بهذا الاسناد» بسیار آمده است). همچنین منبع یابی فهرست هم امکان ندارد، در حالی که در فهرست موجود منبع یابی به راحتی امکان دارد.

در نتیجه مرتب کردن کتب معمولا بهترین کار نمی باشد، بلکه بهترین کار تهیه‌ی فهرست خوب برای کتب می باشد.

1. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص357.](http://lib.eshia.ir/14028/1/357/الخثعمی) [↑](#footnote-ref-1)
2. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص424.](http://lib.eshia.ir/14028/1/424/الازدی) [↑](#footnote-ref-2)
3. [رجال الطوسی، شیخ طوسی، ج1، ص280.](http://lib.eshia.ir/14027/1/280/الساباطی) [↑](#footnote-ref-3)
4. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص274.](http://lib.eshia.ir/14028/1/274/الازدی) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الفهرست، شیخ طوسی، ج1، ص227.](http://lib.eshia.ir/14010/1/227/647) [↑](#footnote-ref-5)
6. [الفهرست، شیخ طوسی، ج1، ص232.](http://lib.eshia.ir/14010/1/232/680) [↑](#footnote-ref-6)
7. [معجم رجال الحدیث، السید أبوالقاسم الخوئی، ج17، ص37.](http://lib.eshia.ir/14036/17/37/البرقی) [↑](#footnote-ref-7)